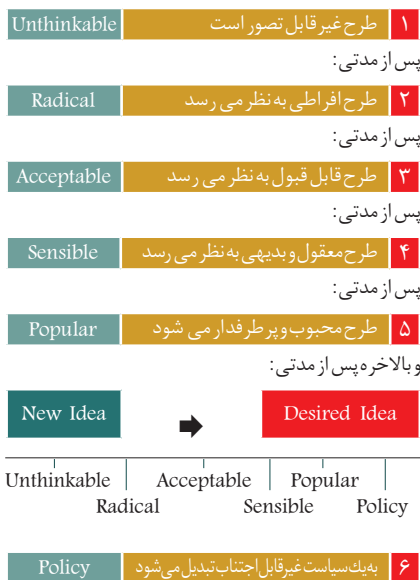




معاذ خطیب،
رئیس ائتلاف
مخالفان
دولت سوریه و
جو بایدن، معاون
باراک اوباما
در نشست
«امنیت، مونیخ
زمستان ۹۱»

پنجره اورتون و پروژه تغییر رژیم در سوریه

علیرضا خواص



یك قانون گذار تا چه حد قدرت متقاعد کردن مردم برای دفاع از يك سیاست خاص یا يك طرح را داشته باشد، به هر حال مجبور است در يك محدوده خاص دست به عمل و تصمیم گیری بزند. اگر يك قطعه چوب را در نظر بگیرید كه دوسر آن راه حل های افراطی و تفریطی در برگیرد سیاستمداران و سیاست گذاران تنها امکان مانور در بخشی از این طیف كه مورد قبول رأی دهندگان است خواهند داشت. خارج از این طیف هر نوع اقدامی به دلیل تقابل با افكار عمومی می تواند مجازات های جدی را در آینده نه چندان دور در بر داشته باشد.

این «طیف سیاست های قابل قبول» را اورتون «پنجره احتمالات سیاسی» نامید. به گفته اورتون در صورتی كه يك طرح یا يك ایده سیاسی یا اقتصادی خارج از «پنجره اورتون» (پنجره ای كه راه حل های قابل قبول جامعه در چار چوب آن قرار می گیرد) قرار گیرد هر چقدر هم كه تبلیغات در باره آن ترتیب داده شود باز نتیجه دلخواه به دست نخواهد آمد. پس چه باید كرد؟

اورتون می گوید باید این پنجره را تغییر مكان داد تا خواست طراحان و مدیران سیاسی و یا اقتصادی در داخل این پنجره قرار گیرد. یكی از بهترین توضیحاتی كه می توان در مورد تئوری «پنجره اورتون» یافت از سوی «میلتون فریدمن» اقتصاددان آمریکایی مطرح شده است.^۳ فریدمن در كتاب «كاپیتالیسم و آزادی» می گوید: «به اعتقاد من وظیفه اساسی ما این است كه برای تغییر فكر جامعه دست به تولید «آلتر ناتیو» بزنیم. سپس این آلتر ناتیورا كه در ابتدا ایدامور دقبول جامعه نیست آنقدر در زندگی مردم زنده نگهداریم كه يك راه حل سیاسی غیر ممكن به يك راه حل سیاسی اجتناب ناپذیر تبدیل شود». به عبارت دیگر دقیقاً همانند مثال قطعه چوب كه اورتون از آن استفاده كرد پلان و طرحی را كه در يك سر چوب قرار گرفته و به نظر جامعه به لحاظ سیاسی «غیر ممكن» می آید آهسته آهسته به سمت دیگر به نحوی حرکت دهیم كه در پایان مردم آن را «اصلاحی» «اجتناب ناپذیر» تلقی كنند!

سلسله مراتبی كه اورتون برای تغییر فكر جامعه و جابه جایی پنجره افكار عمومی پیشنهاد می كند به قرار زیر است:

وجود بیش از ۲۷۰۰ موسسه پژوهشی و تحقیقاتی در ایالات متحده با عنوان اتاق های فكر^۱ این امکان را به سیاستمداران آمریکایی می دهد تا همواره برای بحران های مختلف محتمل و نامحتمل پیش رو، چه در حوزه سیاست داخلی و چه در حوزه سیاست خارجی، برنامه و راهبرد مدونی را در اختیار داشته باشند. طرح خاور میانه بزرگ، پروژه تغییر رژیم در عراق و یا گزارش اخیر شورای اطلاعاتی آمریکا با عنوان «گرایش های جهانی ۲۰۳۰» را می توان در همین چار چوب ارزیابی كرد. علاوه بر این از جمله کارویژه های اتاق های فكر، شركت فعال در فرآیند زمانبر تبدیل يك «ایده» به يك «سیاست» یا همان «سیاست سازی» است. اتفاقی كه از يك سونیازمند طرح خلافتانك ایده و قالب بندی مناسب آن برای تبدیل شدن به يك سیاست است و از سوی دیگر به نحوه شكل گیری افكار عمومی در آمریکا بستگی دارد. پروژه تغییر رژیم در سوریه از جمله مواردی است كه سال ها پیش ایده آن در میان متفكران و سیاستمداران آمریکایی مطرح و الگوهای مختلفی برای تحقق آن ترسیم شد. در این مقاله تلاش می شود تا با نگاهی تاریخی، ماهیت طرح ریزی شده برنامه تغییر رژیم در سوریه را در چار چوب «پنجره احتمالات اورتون»^۲ بررسی كنیم:

اورتون و چار چوبی برای تحلیل رفتار اتاق های فكر

«جوزف اورتون» یكی از متفكران برجسته آمریکایی است كه در فاصله سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۳ تأثیر جدی بر شیوه فعالیت عملكرد اتاق های فكر در آمریکا داشته است. او كه در مركز سیاست گذاری «ملك كینك» در سمت معاون ارشد به كار تحقیق اشتغال داشت در ماه ژوئن سال ۲۰۰۳ در ۴۳ سالگی در يك حادثه سقوط هواپیما جان سپرد. یافته بزرگ اورتون نظریه «پنجره اورتون» است كه باعث شهرت وی در ادبیات مربوط به اتاق های فكر شده است.

اورتون معتقد بود صرف نظر از این كه يك اتاق فكر، يك سیاستمدار

به دنبال سقوط دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی نئو محافظه کاران آمریکایی كه در دوران ریاست جمهوری ریگان و جورج بوش پدر به صحنه سیاسی آمریکامعرفی شده بودند، طرح های ابتكاری فراوانی را برای تشكيل دنیای فرا كمونیسم مطرح كردند. پل ولفوویتز در سال ۱۹۹۱ به ژنرال ولسلی كلارك می گوید كه آمریکا برنامه ۵ تا ۱۰ ساله دارد تا «رژیم های قدیمی وابسته به

۱) مطرح كردن تغییر رژیم در سوریه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی: غیر قابل تصور